

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان در
زمینه انتقال محکومین»

محمد آدمی



مشخصات لایحه

دوره یازدهم - سال چهارم

شماره ثبت:

۹۳۸

شماره چاپ:

—

تاریخ چاپ:

—

مشخصات گزارش



شماره مسلسل:

۲۴۰۱۹۴۴۸

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۹/۲۱



۱. مقدمه

لایحه «معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان در زمینه انتقال محکومین» که در تاریخ ۱۴۰۲/۶/۱۹ به تصویب هیئت وزیران رسیده است در تاریخ ۱۴۰۲/۷/۴ از سوی دولت جهت طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است. این لایحه از آن جهت که می‌تواند منتج به طی مدت حبس محکومان در سرزمین کشور متبوعشان شود دارای اهمیت بوده و قابل توجه است.

کشورهایی که ارتباطات گسترده‌ای با یکدیگر دارند، به صورت معمول با انعقاد موافقت‌نامه‌های متعددی از قبیل اقتصادی، فرهنگی و ... سطح همکاری‌های بین خود را ارتقا می‌دهند. یکی از موافقت‌نامه‌هایی که در این راستا قابل ذکر است؛ معاهدات دوجانبه همکاری حقوقی است که به چند دسته تقسیم می‌شوند که از جمله آنها می‌توان به معاهدات استرداد مجرمین، انتقال محکومین و سازوکارهای همکاری حقوقی و قضایی مانند آموزش نیروهای انسانی اشاره کرد. این معاهدات وضعیت این مسئله را که آیا باید همکاری حقوقی و قضایی در میان دو کشور صورت بگیرد و در صورت مثبت بودن پاسخ، این موضوع را که سطح همکاری باید تا چه میزان باشد تعیین می‌کنند. در واقع برای نیل به اهداف انعقاد این قبیل موافقت‌نامه‌ها، کشورهای طرف چنین معاهداتی باید بتوانند به قابل اتکا بودن، توانایی و کارکرد سیستم حقوقی یکدیگر اطمینان نمایند. در همین راستا جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان با تنظیم موافقت‌نامه انتقال محکومین به حبس به دنبال فراهم ساختن زمینه سپری کردن مدت حبس اتباع خود در کشور متبوعشان هستند.

۲. تحلیل انواع موافقت‌نامه‌های حقوقی - قضایی

در ابتدا لازم به نظر می‌رسد که گونه‌شناسی موافقت‌نامه‌های همکاری حقوقی و قضایی را مشخص کنیم تا جایگاه لایحه «معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان در زمینه انتقال محکومین» مشخص شود:

۱-۲. **معاهدات راجع به استرداد مجرمین و متهمین:** در این گونه از معاهدات، شخصی، به واسطه رفتار مجرمانه‌ای که در یک کشور انجام داده و یا متهم به ارتکاب آن است و در سرزمین کشور دیگری حضور دارد مورد تقاضای استرداد قرار می‌گیرد. در واقع در این نوع معاهدات، شخص مورد نظر در کشور محل ارتکاب، تحت تعقیب قرار گرفته و یا حتی حکمی علیه وی صادر شده است، اما به هر دلیل از حوزه صلاحیت این کشور خارج شده است. در این حالت، کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه، از کشور محل حضور مرتکب عمل یا متهم به ارتکاب آن، تقاضای استرداد این شخص را می‌نماید. در این نوع از معاهدات، کشور تقاضا شونده ارائه اسنادی مانند حکم بازداشت و یا حکم قطعی، اسناد مثبت جرم و اطلاعات دیگری را مطالبه می‌کند تا بتواند از ادعای مورد نظر اطمینان حاصل کند.

در واقع «استرداد یک فرایند رسمی است که طی آن دولتی از دولت دیگر می‌خواهد که شخص مورد تقاضای وی و یا فرد متهم و یا محکوم به ارتکاب یکی از جرائم ناقض قوانین کشور تقاضاکننده را به این کشور تحویل دهد. بازگرداندن شخص مورد تقاضا، به این دلیل درخواست می‌شود که آن شخص به واسطه جرم و یا جرائمی که مرتکب شده است در کشور تقاضاکننده موضوع دادرسی و یا مجازات قرار گیرد.» موافقت‌نامه‌های دوجانبه استرداد متهمین و محکومین از قدیمی‌ترین معاهدات در حقوق بین‌الملل هستند و تاریخ انعقاد برخی از آنها به سال‌های پایانی قرن نوزدهم می‌رسد.

۲-۲. **معاهدات راجع به انتقال محکومین:** در این نوع معاهدات، شخصی در سرزمین یک کشور مرتکب رفتار مجرمانه‌ای می‌شود. این شخص تبعه کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه نیست؛ این رفتار مجرمانه در آن کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و در نتیجه مرتکب، به حبس محکوم می‌شود. کشور متبوع شخص محکوم، به واسطه داشتن علقه سیاسی - حقوقی با آن شخص، متقاضی تحویل وی به خود است تا آن شخص مدت زمان محکومیت خود را در زندان‌های کشورش سپری کند.

بر این اساس، معمولاً در این گونه از موافقت‌نامه‌ها، محکوم می‌تواند در صورت وجود شروط دیگر رضایتش را برای انتقال به دولت متبوعش برای سپری کردن محکومیت حبسش اعلام کند. البته در صورت اعلام رضایت شخص محکوم، پذیرش انتقال وی همچنان منوط به اعلام رضایت کشور صادرکننده حکم و کشور اجراکننده حکم است. در واقع محکوم، حق ارائه درخواست را دارد ولی کشورهای صادرکننده حکم و اجراکننده آن مکلف به پذیرش چنین درخواستی نیستند و اعلام رضایت آنها به‌عنوان عنصری ضروری از فرایند تحقق انتقال است.

بر اساس آنچه که بیان شد، تفاوت‌های اساسی بین دو نوع معاهده اول و دوم به چشم می‌خورد: اولاً در معاهدات نوع اول کسب رضایت مجرم یا متهم در امر استرداد شرط نیست؛ در حالی که در معاهدات دسته دوم، رضایت شخص محکوم در امر انتقال تأثیرگذار است. ثانیاً تفاوت عمده دیگری که بین این دو معاهده وجود دارد مسئله نظم عمومی است. در معاهدات نوع اول، واقعیت آن است که نظم عمومی کشور متقاضی استرداد نقض شده، در حالی که در معاهدات نوع دوم نظم عمومی کشور صادرکننده حکم نقض شده است. ثالثاً هدف از معاهدات گونه اول تأمین نظم و امنیت کشور متقاضی استرداد است؛ در حالی که در معاهدات نوع دوم بیشتر منافع و مصالح شخص محکوم مورد توجه است.

۳-۲. **معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور کیفری:** این نوع موافقت‌نامه‌ها برای ردیابی متهمان و یا محکومان، تبادل اطلاعات راجع به جرائم، مجرمین و یا مشارکت در تحقیقات مقدماتی رسیدگی‌های قضایی منعقد می‌شوند. برای مثال می‌توان به ماده (۹) کنوانسیون مبارزه با رشا و ارتشا مقامات عمومی خارجی در بازرگانی بین‌المللی اشاره کرد که عنوان می‌کند کشورها می‌توانند برای به‌دست آوردن اطلاعات و مدارک از طریق معاهدات همکاری قضایی دوجانبه وارد عمل شوند. در واقع هدف اصلی این نوع از معاهدات آن است که مقامات مجری قانون بتوانند مدارک و دیگر اقدامات شکلی لازم در خارج از کشور را به‌نوعی که در دادگاه‌های کشور

تقاضاکننده قابل پذیرش است تدارک ببینند.

۲-۴. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور مدنی: این معاهدات بیشتر در قالب معاهدات آموزش نیروها، نگارش و تدوین پیش‌نویس قوانین، شناسایی آرای محاکم، ابلاغ اوراق قضایی، جلب نظر کارشناس و ... منعقد می‌شوند. چنانچه از عنوان لایحه مورد بررسی در گزارش حاضر بر می‌آید، موضوع این موافقت‌نامه «انتقال محکومین» است و نه «استرداد مجرمین» و یا «معاضدت مدنی» لذا آنچه در ذیل معاهدات نوع دوم عنوان شد باید درخصوص این لایحه مورد توجه قرار گیرد.

۳. آثار تصویب معاهده

مطابق با مقدمه موافقت‌نامه، یکی از اهداف آن، گسترش مناسبات دو کشور و ارتقای سطح همکاری دوجانبه و تحکیم مناسبات میان دو طرف برای تسهیل فرایند جامعه‌پذیری زندانیان و بازگشت آنها به جامعه در سرزمین متبوع خودشان است. اهمیت لوایح این‌چنینی به‌واسطه فراهم‌سازی امکان بازگشت شخص مجرم و محکوم به کشور متبوع خود است تا سزای عملی را که در کشور دیگری مرتکب شده و در آنجا به مجازات حبس محکوم شده است در کشور متبوع خود به همان صورت و همان مدت تعیین شده در دادگاه کشور خارجی، ببیند. به‌عبارت‌دیگر این موافقت‌نامه در صورت اجرا سبب خواهد شد تا دو طرف با فراهم‌سازی بازگشت محکومان به حبس به کشور خود، از آثار و تبعات احتمالی در زندان‌های کشور خود بکاهند. طبیعتاً حضور محکوم در زندان‌های کشور متبوع خویش باعث خواهد شد تا ملاقات وی با خانواده‌اش تسهیل شود. همان‌طور که پیشتر عنوان شد لایحه پیش‌رو مربوط به انتقال محکومین به حبس است، لذا در اینجا مفاهیمی از جمله «کشور صادرکننده حکم حبس»، «دولت پذیرنده محکوم» و ... مطرح است. مطابق با فلسفه‌ای که برای انعقاد این موافقت‌نامه توسط دولت‌های طرف آن اعلام شده، فرض بر این است که دولت‌ها به یکدیگر کمک می‌نمایند تا طرف مقابل بتواند محکومینی را که در کشور طرف دیگر مرتکب جرم شده‌اند و به مجازات حبس محکوم شده‌اند برای ادامه مدت حبس خود به سرزمین خود یعنی دولت متبوع شخص محکوم، بازگرداند. از آنجاکه صرف انعقاد و تصویب چنین معاهداتی برای عملیاتی شدن آنها کافی نیست و اجرایی شدن آن مستلزم توجه و پیگیری مستمر طرف‌های آن نسبت به درخواست‌های انتقال آتی است، لذا انتخاب دستگاهی دولتی برای این پیگیری‌ها لازم است. از این‌رو، مطابق با ماده (۳) موافقت‌نامه، وزارت دادگستری از جانب جمهوری اسلامی ایران مقام مرکزی اجرای موافقت‌نامه تعیین شده است. البته این نهاد در واقع به‌نوعی هماهنگ‌کننده و انجام‌دهنده اقدامات شکلی و نقطه تماس تلقی می‌شود و این امر مانعی برای اعمال صلاحیت‌های مراجع قضایی کشور نیست.

۴. ارزیابی لایحه و پیشنهادها

۱. بند «۴» ماده (۱) به تعریف «خویشاوندان نزدیک محکوم» پرداخته که به‌نظر می‌رسد از نظر نگارشی دارای اشکال است. لذا پیشنهاد می‌شود این بند به‌شکل زیر بازنویسی شود:

«به اشخاصی اطلاق می‌شود که مطابق با قوانین ملی طرفی که محکوم تبعه آن است، تعیین می‌شوند».

براساس مفاد متعدد از موافقت‌نامه، خویشاوندان نزدیک محکوم دارای اختیاراتی معرفی شده‌اند. به‌عنوان مثال براساس بند «۲» از ماده (۲) این اشخاص می‌توانند درخواست کتبی انتقال محکوم را به دولت صادرکننده حکم، تسلیم نمایند. براساس زیر بند «ت» بند «۱» ماده (۴)، در صورتی خویشاوندان نزدیک محکوم می‌توانند درخواست انتقال را ارائه دهند که محکوم به‌دلیل شرایط

سنی، جسمی یا روحی نتواند شخصاً درخواست دهد. گفتنی است در ماده (۱۱) از تعبیر «خویشاوندان وی» استفاده شده است. ۲. در شق «ث» بند «۱» ماده (۴) و بند «ب» ماده (۹) از تعبیر «جرم کیفری» استفاده شده است؛ در حالی که در نظام حقوقی ایران، این تعبیر شناخته شده نیست.

۳. یکی از الزاماتی که برای امکان انتقال محکومین بیان می‌شود، اصل «جرمانگاری مضاعف» است. به این معنی که جرم ارتکاب یافته مبنای درخواست انتقال باید در هر دو نظام حقوقی کشور ارسال‌کننده و دریافت‌کننده، جرم تلقی شود. شق «ث» بند «۱» ماده (۴) معاهده به این موضوع اشاره دارد.

۴. این موافقت‌نامه در حالی که در نگاه اول، روابط دوجانبه را در خصوص انتقال محکومین تنظیم می‌نماید؛ با این حال در بند «۱» ماده (۱۷) این امکان فراهم شده است که کشورهای طرف موافقت‌نامه بتوانند مجرمی را صرفاً از طریق خاک طرف مقابل عبور دهند. ۵. نظر به آنکه این موافقت‌نامه به دنبال بهبود وضعیت جامعه‌پذیری بزهکاران در کشور متبوع خود آنهاست و در واقع به نوعی ماهیت حمایت‌گرایانه دارد، این امکان در آن فراهم شده است تا نسبت به اشخاصی که قبل از لازم‌الاجرا شدن آن نیز محکوم به حبس شده‌اند اعمال شود. به تعبیر دیگر این معاهده دارای اثر عطف به ماسبق است.

۶. پیشنهاد می‌شود عبارت «در اجرای این معاهده» در تبصره ذیل ماده‌واحد، جایگزین عبارت «در اجرای این قانون» شود. ۷. از جمله ایرادات شورای محترم نگهبان به این نوع موافقت‌نامه‌ها، خلاف شرع تلقی کردن اطلاق برخی از مواد آنهاست که منجر به شناسایی احکام محاکم و مقررات قوانین آیین دادرسی مراجع غیرمسلمان می‌شود. از جمله این موارد می‌توان به ایراد مغایرت با شرع مصوبه «انتقال محکومین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه» [۱] و مورد راجع به مصوبه «معاهده انتقال محکومین به حبس میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین» [۲] اشاره کرد. در واقع صدور احکام در دادگاه‌های کشورهای خارجی تابع الزامات محتوایی و شکلی آن کشورهاست و از این رو ضرورتاً منطبق بر موازین شرعی نیست.

۵. نتیجه‌گیری

این‌گونه معاهدات می‌توانند موجب تحرک بخشیدن به دستگاه‌های اجرایی و قضایی کشور شده و با بهره‌مندی از نگاهی تطبیقی به نظام‌های حقوقی کشورهای دیگر می‌توانند خلأهای احتمالی نظام حقوقی ملی را پوشش دهند. در عین حال موجبات تسهیل مراودات دو کشور و اتباع آنها را نیز فراهم می‌آورند. انعقاد چنین معاهداتی موجب پررنگ‌تر شدن همکاری‌های دوجانبه و کمک اساسی به اجرا و اعمال قوانین می‌شود، لذا از این منظر مفید و مؤثر تلقی می‌گردد. مطابق با آنچه گذشت تصویب لایحه حاضر با انجام اصلاحات پیش‌گفته در خصوص ایرادات نگارشی و جایگزینی عبارت «در اجرای این معاهده» در تبصره ذیل ماده‌واحد به جای عبارت «در اجرای این قانون» بلا مانع است.

منابع و مأخذ

1. <http://nazarat.shorarc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=VALN7hc5nEs=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MrnN&MN=csaqt/F9Oo=>.
2. <http://nazarat.shorarc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=h+Su6uqYafM=&TN=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MrnN&MN=csaqt/F9Oo=>.